

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران
۲۱ نومبر ۲۰۲۲

دلالتان سیاسی و خیزش انقلابی مردم



دیدار امانوئل مکرون، رئیس جمهور فرانسه در ۲۰ آبان- عقرب- با مسیح علینژاد، رؤیا پیرائی، لادن برومند و شیما بابائی در کاخ الیزه سؤالاتی به همراه داشت. دیداری که می توان جزو تحرکاتی قرار داد که در چند هفته اخیر رو به افزایش بوده است. از جمله ملاقات افرادی با تونی بلینکن، رابرت مالی و کامیلا هریس، ملاقات با اعضای اتحادیه اروپا و اینک ملاقات افراد نامبرده با امانوئل مکرون.

در حالی که مردم در کف خیابان علیه دیکتاتوری و علیه ستمگر چه شاه باشد چه رهبر شعار می دهند، این دیدار ها از طرف عناصری که تلاش می کنند خود را طرفدار و نماینده مبارزات و خیزش انقلابی مردم نشان دهند با ستمگران جهانی به چه معنی است؟ آیا اینان واقعاً طرفدار مبارزات مردم هستند؟ و یا این که در تلاشند جایی برای خود در میان آلترناتیو های امپریالیستی رزرو کنند؟ و یا این که در تلاشند تا ستمگران و استثمارگران امپریالیستی را ناجی و حامی مردم جا بزنند؟ هر سه حالت فرقی به حال مردم و اهداف انقلابی شان ندارد. چرا که این دارودسته در تلاشند تا خیزش انقلابی مردم را به حراج بگذارند و سناریوی انقلاب ۵۷ و یا سناریوی از آن قبیل را برای به قدرت رساندن یک ستمگر و استثمار گر دیگری تکرار کنند.

ما نمونه کمک های این قدرت های امپریالیستی را در تاریخ خود دیده ایم. کمک امپریالیسم فرانسه در سال ۵۷ آن بود که مناسبات و ارتباطات میان افراد خمینی و وزارت امور خارجه آمریکا را فراهم کند. کمک همه امپریالیست های غربی در کنفرانس گوادالوپ آن بود تا از پیشروی انقلاب جلوگیری کنند و قبل از این که عمق یابد، شاه را از ایران فرا بخوانند و خمینی را جایگزین آن کنند. امپریالیست ها در این مدت که تغییر ماهوی نکرده اند و مسأله واقعی شان این است که انقلاب مردمی عمق نیابد و منافع و بهره برداری خود و نفوذ خود را گسترش دهند. بنابراین، این دیدار های مرموز که تحت نام دفاع از مبارزات مردم صورت می گیرد به هیچ وجه در خدمت مبارزات مردم نیست بلکه هموار سازی نفوذ امپریالیست های غربی است که مزورانه نیز تلاش دارند این هوای سمی و خطرناک را در فضای مبارزات مردم تحت نام حمایت از مردم و مبارزات مردم ایران، اشاعه دهند. در حقیقت این تحرکات نه تنها کمک و حمایتی از مبارزات مردم ایران نیست به عکس کمک و حمایت مستقیم از امپریالیست هاست.

امپریالیست ها، هم آمریکا و هم اتحادیه اروپا با پیام هایشان بروشنی اعلام کرده اند که کاملاً از برجام قطع امید نکرده اند. یعنی هنوز امید کمی دارند تا جمهوری اسلامی در قدرت باقی بماند و این اولویت آنها خواهد بود. به دان معنی است که هنوز امیدوارند که جمهوری اسلامی این خیزش انقلابی زنان، جوانان و مردم ایران را سرکوب کند. براین اعتقادند که این رژیم بیش از هر جریان دیگر می تواند در شرایط کنونی منافع امپریالیست ها را برآورده کند و یک انقلاب واقعی بشدت در مقابل منافع آنها خواهد بود. در نتیجه در پشت پرده همچنان سخت در تلاشند تا به نوعی به رژیم جمهوری اسلامی کمک کنند به شرط آن که جمهوری اسلامی از چین و روسیه حداقل به تدریج ببرد و قول همکاری با غرب را بدهد.

سؤال ممکن است این باشد که پس چرا امپریالیست های غربی در ظاهر به دفاع از مبارزات مردم می پردازند و به صورت بسته گریخته ای از خشونت های جمهوری اسلامی دم می زنند و یا قسماً آن را محکوم می کنند؟ و این که چرا به تحریم هائی علیه جمهوری اسلامی روی آورده اند؟

جواب به این سؤال سه دلیل دارد و هر یک از آنها کاربرد خاصی برای دولت های غربی دارد.

یکم به مثابه اهرم فشاری بر جمهوری اسلامی. اولین انتخاب غربی ها ماندن رژیم جمهوری اسلامی در قدرت است. این دولت ها با دفاع ظاهری از مبارزات مردم، محکوم کردن قسمی خشونت ها و تحریم برخی افراد رژیم می خواهند نشان دهند که به اصطلاح از مبارزات مردم حمایت می کنند. درحالی که این تحریم ها اکثراً تاکتیکی است و جنبه ایذائی و تبلیغی دارد یا به قول خودشان سمبلیک است و نقشی جدی در موقعیت جمهوری اسلامی نخواهد داشت بلکه تنها اهرم فشاری است تا جمهوری اسلامی را متوجه اهمیت غربی ها برای حفظ و بقاء جمهوری اسلامی کنند و با استفاده از این امتیاز آن را وادار به امضای برجام و کشاندن به کمپ خود کنند و آنگاه کمک های بیشتری را انتظار داشته باشد.

دوم این که امپریالیست ها در همان حال نیز در تلاشند تا در صورت عدم موفقیت در حفظ رژیم یک آلترناتیو حکومتی در ایران را سرهمبندی کنند. تا بتوانند بر موج مبارزات مردم سوار شوند. آنها با خیزش انقلابی اخیر بشدت غافلگیر شده اند. آلترناتیو هائی که سال ها بر سر آنها سرمایه گذاری کرده بودند در میان مردم پایه ای ندارند. علی رغم هزینه و سرمایه گذاری عظیمی که در راه علم کردن سلطنت طلبان و رضا پهلوی کرده اند، سازمان ها و نهادها و رسانه هائی که برای تبلیغ این جریان تأسیس و تأمین کرده اند، کارشناسان و خبرنگارانی که برای اینان تدارک دیده بودند نتوانسته اند که پایه ای جدی را در میان مردم داشته باشند. خیزش انقلابی و به خصوص قشر جوان آن موضع روشن خود را علیه آنان اعلام کرده است. از طرف دیگر خواسته ها و آمل و آرزوهای این خیزش در یک تضاد روشن با آنچه که

سازمان مجاهدین به مثابه یک جریان مذهبی و زن ستیز و وابسته در چنته دارد، می باشد. بنابراین در تلاشند تا به نوعی یک آلترناتیو حکومتی را به شکل و شیوه ای به خصوص با چهره هائی با همان خط فکری سلطنت طلبان، حتی بدون سلطنت طلبان و یا در کنار آنان و وابسته به امپریالیست های غرب تدارک ببینند. تا در شرایطی که انقلاب پیشرفت های کیفی دیگری را داشته باشد بتوانند به میان بپرند و از تعمیق آن جلوگیری کنند و تجربه سقط انقلاب ۵۷ را تکرار کنند. در این میان بدون شک به چهره های "جدیدتری" نیز احتیاج دارند و در حال آزمایش آنان و سبک و سنگین کردن مهره های در دست شان می باشند. بنابراین امپریالیست های غربی در مجموع در حال مذاکره با عناصر و افرادی از طیف های جوان ترو یا حتی ناشناخته تر هم هستند. به همین دلیل، سران کشورهای امپریالیستی در امریکا، اروپا و کانادا در حال برگزاری چنین دیدار هائی به صورت علنی و هم غیر علنی می باشند.

دلیل سوم افکار عمومی در سطح بین المللی است. اگر چه بسیار ضعیف ولی در هر صورت کارکردی برای تبلیغات ظاهری شان در بر دارد. موضوع افکار بین المللی نقش آنچنان مهم و تعیین کننده ای را برای آنان نخواهد داشت. به وقایعی که در افغانستان گذشت بنگریم، بعد از ۲۰ سال تبلیغ علیه طالبان و اشغال افغانستان تحت نام رهائی زنان و ایجاد دموکراسی، بدون هیچ نگرانی در مورد افکار بین المللی، با موافقت همه جناح های امپریالیستی امریکا و توافق کشورهای اروپائی و با کمال وقاحت دولت افغانستان به طالبان سپرده شد چرا که منافع آنها در شرایط کنونی اینگونه ایجاب می کرد.

بنابراین آنچه که مربوط به ملاقات عناصر معلوم الحالی چون مسیح علینژاد و یا نازنین بنیادی و امثالهم می باشد و با آب و تاب در رسانه های وابسته ضد مردمی تبلیغ می شود را نمی توان به حساب کوچکترین کمک و یا حمایت از خیزش انقلابی مردم ایران گذاشت بلکه در درجه اول کمک مستقیمی است به سیاست های امپریالیستی. آنان با این تلاش هایشان بشدت در مقابل جنبش مردم و خیزش انقلابی کنونی ایستاده اند.

این دارودسته ها در تلاشند تا به مردم بقبولانند که برای خلاص شدن از دست جمهوری اسلامی راهی به جز اتکاء به دولت های امریکائی و اروپائی وجود ندارد. به همین دلیل برای خود نقش خاصی را قائل شده اند و به دلالتان امپریالیست ها و به خصوص آنانی که معتقد به رژیم پنج اند، مبدل شده اند. در میان جناح بندی های امپریالیستی به جناح جمهوریخواه و به ویژه به ترمپ، پمپئو و بولتن برای رژیم پنج اتکاء بیشتری دارند. این خط از حمایت عده ای از امپریالیست های اروپائی و برخی کشورهای خاورمیانه مانند اسرائیل و عربستان سعودی نیز برخوردارند. اما همگی این عناصر و جریاناتی که به دنبال محافل امپریالیستی به راه افتاده اند، نماینده مردم و مبارزات آنان نیستند بلکه دلالتان سیاسی امپریالیست ها می باشند و افرادی هم چون مسیح علینژاد و نازنین بنیادی تلاش دارند در آلترناتیو سازی های امپریالیستی جائی برای خود رزرو کنند.

مردم ایران و به خصوص جوانانی که در خیزش انقلابی کنونی صحنه گردانان اصلی مبارزات اخیر هستند روشن کرده اند که یک رژیم ستمگر دیگر را تحت هر نامی که باشد بر نمی تابند. قدر مسلم هر آلترناتیوی که از طرف امپریالیست ها و به هر نحوی که بخواهد تحمیل شود یک رژیم ستمگرانه و استثمار گرانه خواهد بود. رژیمی است که منافع آنان را بر آورده خواهد کرد. حالا این رژیم تحمیلی، می خواهد به شکل کودتای ۲۸ مرداد-اسد- و آوردن "شاه" و یا از طریق کنفرانس گوادالوپ و "رهبر" کردن خمینی باشد. می خواهد از طریق رژیم چنجی که در عراق پیش بردند و ملغمه ای از عناصر وابسته و بنیادگرایان اسلامی را به قدرت رساندند و یا به شکلی که در افغانستان از طریق کنفرانس بن و تشکیل جمهوری اسلامی افغانستان بر مردم تحمیل کردند و یا از طریق کنفرانس دوحه که رژیم واپسگرای طالبان را به قدرت رساندند، باشد.

اما مسأله هنوز یک سره نشده است. این که این دلالتان سیاسی چقدر قادر خواهند بود از این اوضاع به نفع خود و طبقه ای که نمایندگی می کنند در اتکاء به امپریالیست های امریکائی و اروپائی نقشه های ضد انقلابی خود را علیه مردم به کار ببرند، بستگی به عمق یابی خیزش انقلابی و دقیق تر شدن مرز بندی های آن دارد. تا کنون مردم در خیزش انقلابی در طی هشت هفته گذشته در شهر های گوناگون و دانشگاه ها، در شعار نویسی ها مرزبندی خود را با ستمگر حاکم، "رهبر" و ستمگر دیگر گذشته "شاه" پیش گذاشته اند. هر قدر در پیشروی خیزش انقلابی، شعارها و خواسته هائی با مضمون ضد سرمایه دارانه و قدرتهای امپریالیستی تعیین و بیشتر فراگیر شود، راه را برای آلترناتیو سازی های ارتجاعی امپریالیست ها و خوش خدمتی دلالتان سیاسی بیشتر می بندد.

جمعی از کمونیست های انقلابی – ایران

۲۳ آبان - عقرب- ۱۴۰۱